

سرگذشت بشر

مقدمه هادی بیگدلی



سرشناسه: بیگدلی، هادی، ۱۳۵۲ -، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: سرگذشت بشر / گردآورنده هادی بیگدلی.
مشخصات نشر: تهران: آوای مکتوب، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۴-۲۹-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی -- پیامبران
موضوع: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی -- نقد و تفسیر
رصو۴: پیامبران در ادبیات
موضوع: پیامبران -- شعر
رصو۴: پیامبران
رده‌کنگره: ۱۳۹۳ س ۴ / PIR۵۰۳۱
ردجلی ربی: ۱ / ۱
شماره: ۳۶۹۸۳۰۹ / ۱ / ۱
بشناسی: ۳۶۹۸۳۰۹

نام کتاب: سرگذشت بشر

نویسنده: هادی بیگدلی

نوبت چاپ: اول/۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۴-۲۹-۱

صفحه‌آرایی: تحریریه آوای مکتوب

ناظر فنی: سید یاشار بنی هاشمی خامنه



کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن: ۰۹۱۳۷۹۳۸۷-۶۶۴۷۹۴۱۵

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	یادداشت
۱۲	فصل ۱: حضرت آدم (ع)
۲۱	فصل ۲: فرزندان آدم، (سبیل و قابیل)
۲۲	فصل ۳: حضرت نوح (ع)
۲۸	فصل ۴: حضرت هود (ع)
۳۳	فصل ۵: حضرت صالح (ع)
۳۹	فصل ۶: حضرت یوسف (ع)
۵۲	فصل ۷: حضرت ابراهیم (ع)
۶۳	فصل ۸: حضرت لوط (ع)
۶۴	فصل ۹: حضرت شعیب (ع)
۷۰	فصل ۱۰: اصحاب کهف
۷۳	فصل ۱۱: ذوالقرنین
۷۶	فصل ۱۲: حضرت یونس (ع)
۷۸	فصل ۱۳: دو مردی که باغ انگور داشتند
۸۰	فصل ۱۴: باغداران
۸۱	فصل ۱۵: حضرت داود (ع)
۹۰	فصل ۱۶: حضرت سلیمان (ع)
۹۵	فصل ۱۷: کسی که نشانه‌های خدا به او رسید...

- فصل ۱۸: مردم شهری که رسولان بدانجا آمدند ۹۷
- فصل ۱۹: لقمان ۹۹
- فصل ۲۰: قوم سبا ۱۰۱
- فصل ۲۱: حضرت عزیر (ع) ۱۰۵
- فصل ۲۲: حضرت موسی (ع) ۱۰۷
- فصل ۲۳: حضرت خضر (ع) ۱۳۶
- فصل ۲۴: قارون ۱۳۸
- فصل ۲۵: حضرت یحیی (ع) ۱۴۰
- فصل ۲۶: حضرت عیسی (ع) ۱۴۲
- فصل ۲۷: فرزندان اسرائیل (یهودیان) ۱۵۱

پیشگفتار

خدای را سپاس از اینکه عنایت فرمود و این بنده‌اش را از جهل و کوری و کرب و بیهوشی با نور ایمان به سخنان حقش که بر قلب پیامبر درس‌نخوده‌اش - رحمت العالمین - وحی کرد، به سوی راهی راست و پایدار رهنمون فرمود. جلوه‌های تقوا و پرهیزگاری را در دشت پهناور وجود این بنده‌اش با ریزش قرآنی بران بهاری چشمانش پس از زمستان‌های سرد و یخبندان رشد و نمو را لذت‌میه شیرین تحمل تلخ صبر و شکیبایی را با توسل به نماز و دعا و الفس با قنات کرشمه دریابد و بفهمد.

خدای را سپاس بر آنچه گرفت و عطا کرد، و بر آنچه احسان کرد... (شکر)... و آزمود. جهان بر پای ماندن جز بر سستی که خدا کار آن را بر آن رانده: که یا نعمت است و یا ابتلا، و سرا جامد. اش روز جزا، یا دیگر چیزی که خواست و بر ما ناپیداست.

خدای را سپاس از اینکه عنایت فرمود و شمه‌ای از طوفان سبکین قیامت را بر این بنده‌اش نمایان ساخت.

این دم، از یارانت با توضع شوند	وز تو برگردند و در خصم روان
تو بگو: نک روز من پیروز شد	آنچه فردا خواست شد، امروز شد
ضد من گشتند اهل این سرا	تاقیامت عین شد پیشین مرا

روزی که پرده‌ها کنار می‌رود و چهره واقعی این جهان نکوهش‌شده امیر مؤمنان حضرت علی (ع) به وضوح نمایان می‌شود. روزی که انسان به صورت درونی و واقعی درمی‌یابد که هیچ‌کس به درد او نمی‌خورد، حتی خودش هم به درد خودش نمی‌خورد. پس چکار باید بکند؟ در میان موجی

عظیم از انسان‌های فریب‌خورده - انسان‌هایی که اسیر وسوسه‌های نفس خویش، وسوسه‌های شیطان رانده شده و پیروان او گشته اند، مستأصل می ماند. اینجاست که به صورت فطری و ناخواسته رو به سوی مرکزیت عالم هستی، پروردگار بخشنده و مهربان می کند و تنها راه نجات را توسل به او و چنگ زدن بر ریسمان الهی اش می داند. در می یابد که: "راستگوتر از خدا در سخن کسی نیست"

با امید و آرزو پیش می رود تا آنجا که درمی یابد: "اگر خدا او را یاری کند هیچ کس بر او غالب نخواهد شد و اگر خدا دست از یاری او بردارد چه کسی بعد از او را یاری خواهد کرد." ترس وجودش را در بر می گیرد که اگر به خاطر اشیب اندیشه ها، گناهان و ناپاکی ها و رذیلت هایش خداوند نیز او را حمایت نکند، دچار نابودی بکند؟

به لطف و عنایت پروردگارش درمی یابد که مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند و راهی جز توکل در راه هدایت ها و تلاش ها نیست.

رو توکل کن تو با کسب، ان عمو

جهان می کن، کسب میکن، موبه مو

همسفران و همراهان گرامی، ما بزرگ شدیم به سن چهل سالگی - سن رشد و کمال خود - رسیدیم و دریافتیم که همه - بجز ایراد دنیای خواسته ها و هوس ها، فریب و بازیچه ای بیش نیست.

جمله لذات هوا مکر است و زرق سورتاریکی است گرد نور برق
برق نور کوتاه و کذب و مجاز گرد او ظلمات و ربا ما دراز

پس هم صدای می گوئیم:

"پروردگارا، در دلمان بیفکن (یا الهام کن) تا نعمتی را که به ما و به پدرانمان و به مادرانمان ارزانی داشته ای سپاس گوئیم و کار شایسته ای انجام دهیم که آن را خوش داری. و فرزندانمان را برایمان شایسته گردان؛ در حقیقت، ما به درگاه تو توبه آوردیم و ما از فرمان پذیرانیم."

همسو با تیزبینی و زیرکی مولانا مبنی بر درک حقایق ژرفنای تفکر برانگیز لایه‌های توبرتوی سخن حق، سوار می‌شویم بر کشتی نجات‌بخش رحمان - قرآن کریم - تا بلکه بتوانیم در دریای عمیق علم و معرفت، با درک سرگذشت اقوام گذشته، ضمن ادراک سنت و قانون حیات، بینشی کسب کنیم برای شروعی دوباره و نگرشی تازه تا ضمن ممانعت از افسوس روز حسرت، تقویٰ کرده باشیم شهادتی را که پدرانمان در گوش‌هایمان خواندند که:

"بست عذابی جز پروردگار یکتا و به راستی که محمد (ص) فرستاده اوست." هر چند ما به اندازه همه آنان که پیش از ما بوده‌اند نزیسته‌ایم، اما می‌توانیم در کارهایمان بجای آوریم سرگذشت‌هایشان بیندیشیم، و در آنچه از آنان مانده، برویم و ببینیم تا چون کر از ایشان گردیم، بلکه با آگاهی که از کارهایشان به دست می‌آوریم به اعانت رعایت پروردگاران می‌توانیم چنان شویم که گویی با نخستین تا پسینشان سر کرده‌ایم.

سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد...

به خدا که، سخن درست است و از رایاری نیست، حقیقت است و دروغ‌پردازی نیست. مرگ است که مادی را دعوتش را شنواید، و سرودخوان آن همه را شتابان خواند، پس انبوه مردمان فریفته‌شان نگرداند - که هیچ کس سرانجام زنده نماند - آن را که پیش از خودمان دیدیم، که مال فراهم آورد و از فقر ترسید، و به آرزوی دراز، از عاقبت نیندیشید، و دور پنداشت و ناگهان بر سر او رسید. او را بی‌آرامی از وطنش براند و از سر در آن ایمن بود برخیزاند. بر چوب‌های تابوت برداشته، مردان آن را با سبیل‌گستاخ گرفته به نوبت از دوش این به دوش آن گذاشته. آیا ندیدیم آنان را که از ره دور و دراز در سر داشتند، و کاخ‌های استوار می‌افراشتند، و مال‌های فراوان می‌انباشتند، چگونه خانه‌هایشان گورستان گردید، و گردآورده‌شان تباه و پریشان، و مال‌هایشان از آن وارثان، و زنان‌شان در خانه این و آن؟

چیست دنیا از خدا غافل بدن نی قماش و نقره و میزان و زن

نه بر کرده نیک می‌افزاییم، و نه عذری توانیم خواست از کار زشت و ناخوشایند. پس اگر ترس از پروردگار را شعار خود سازیم، در کار خیر

از اقران خود پیش تازیم، کردارمان پیروز و پسندیده است - و پاداش تمام به ما رسیده. پس تقوی را غنیمت شماریم، و به کاری که در خور بهشت است روی آوریم، که دنیا را نیافریده‌اند تا جاودان در آن به سر ببریم، بلکه آفریده‌اندش تا زود از آن بگذریم، و از کردار نیک برای خانه همیشگی توشه فراهم آوریم. پس در این جهان شتابان به کار پردازیم، و کرداری نیک را چون رکنان راهوار برای رفتن آماده سازیم.

تورج - باش چون سلطان نه‌ای خود مران کشتی چو کشتیان نه‌ای

یادداشت

۱. در طریق دستورالعمل ارائه شده بر فهم داستان‌های مثنوی معنوی مولانا، روش استخراج ابیات مرتبط با داستان‌ها از لایه‌لای ابیات گوناگون دیگر در کتاب و نگاه پیر بلخ، داستان‌های واقعی تاریخی با محوریت پیامبران، انسان‌ها، حقیقت حیات مادی و ماوراء الطبیعت را در بهترین و کاملترین شکل خود نشان می‌دهد. از متن قرآن کریم، ترجمه استاد مرحوم فولادوند استخراج شده است.

چون تو در قرآن حق با ییخی با روان انبیاء آمیختی
هست قرآن حالهای انبیا، هیان بحر پاک کبریا

۲. اشعار مرتبط با موضوعات از مثنوی معنوی مولانا استخراج شده‌اند.
۳. در این پژوهش سعی شده است تا تاریخ حیات انسان از بُعد مادی و روانی از زبان تاریخ‌نویس قهار عالم هستی - حضرت - فی - اچاشنی‌های پیر عاشق بلخ همان‌طور که بودند و هستند ارائه گردد. تا بلکه بتوانیم به فلسفه واقعی حیات انسان که مستتر در همان تاریخ اوست، دست یابیم.